

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۲ دسمبر ۲۰۲۲



محمد محق

تطبيق حدود از مقاصد شریعت تا اهداف سیاست

کسانی که آگاهی تخصصی در باره دین دارند می‌دانند که منظومه ارزش‌های دینی بر محور عدالت و نیازهای انسانی مرتبط با آن می‌چرخد. عدالت البته از ارزش‌های بنیادینی است که اختصاص به هیچ دینی ندارد، بلکه از خواسته‌های جهان‌شمول انسانی است، که مورد تأیید و پشتیبانی ادیان نیز قرار دارد. پس از عدالت ارزش‌های دیگری وجود دارد که زیر عنوان مقاصد شریعت شناخته می‌شود و عبارت است از حفظ جان، حفظ آزادی دیانت، حفظ مال، حفظ آبرو، و حفظ عقل و خرد آدمی که از هزار سال به این سو محور بحث و محاوره پیشگامان فقه و کلام اسلامی بوده است. اگر کسی به جدول احکام شرعی نگاهی بیندازد خواهد دید که تطبيق حدود شرعی در پائین‌ترین درجه آن قرار می‌گیرد و با کوچکترین شبهه منتفی می‌شود.

گروه‌های بنیادگرا به عکس، حدود کیفری را در صدر احکام شرعی نشانده و تطبيق آن را بالاترین معیار دین‌داری می‌شمارند. آنان می‌بینند که طبق معیارهای مدرن برای حکومتداری خوب هیچ طرحی برای رفاه شهروندان و بهبود زندگی آنان ندارند تا امتیازشان را بر دیگر گروه‌ها نشان بدهند و در نتیجه با خلق روایتی ایدئولوژیک فلسفه وجودی خود را به تطبيق شریعت گره می‌زنند. طبق روایت این گروه‌ها جوامع امروز همه غرق در فساد، تباهی، سیسروزی، فلاکت، افسردگی، و هزاران مشکل دیگرند، و تنها راه نجات از این وضعیت تطبيق شریعت است که به مدینه فاضله و بهشت موعود منتهی می‌شود. مرادشان از تطبيق شریعت در اینجا نه توجه به مقاصد اعلای دین، یا آرمان‌های جهان‌شمول انسانی، بلکه تقلیل آن به اجرای حدود و قوانین کیفری است. از نظر آنان روح شریعت در مجازات و شکنجه تبلور پیدا می‌کند و بعضی ملاحی‌های شان روایتی را منسوب به حضرت عثمان نقل می‌کنند که گویا گفته است: کاری که خدا از طریق سلطان می‌کند از طریق قرآن نمی‌کند. آنان با این روایت دین را به راه و رسم حاکمان فرو

می‌کاهند و خدا را در جامه‌ امیر المؤمنین شان می‌گنجانند و خشم و کین او در برابر بندگان خدا را مظهر قهر و جبروت الهی می‌شمارند.

این مفهوم برای توده‌های کم‌سواد این گونه ترجمه می‌شود که قرار است با اجرای حدود کیفری، فقر، تبعیض، بیکاری، و همه فلاکت‌ها به پایان برسد و خدمات عمومی برای همگان به آسانی عرضه گردد. این برداشت ساده‌لوحانه نتیجه پروپاگندای ایدئولوژیکی است که برخی از نویسندگان به آن ایدئولوژی‌های روان‌گردان می‌گویند و کارش هلسیناسیون جمعی است. رهائی توده‌ها از توهم‌زدگی نیاز به زمان زیادی دارد تا آنان بر سر عقل بیایند و عمق منجلابی را که در آن گیر افتاده‌اند به وضوح ببینند.

این اتفاق در اوایل انقلاب ایران افتاد و همه گمان می‌کردند که پول نفت و گاز سر سفره مردم قرار خواهد گرفت و بسیاری از اقلام اساسی به رایگان به آنان داده خواهد شد. در بهار عربی نیز همین روحیه در میان توده‌های عرب پخش شد و آنان منتظر تحولی سحرآمیز در تمام زندگی شان بودند. طالبان اما، در ضمن پوشاندن ناکامی‌های شان در عرضه خدمات به شهروندان، اهداف سیاسی دیگری را نیز از تطبیق حدود دنبال می‌کنند و یکی از آن اهداف این است که در توجیه روابط پشت پرده شان با قدرت‌های جهانی، به سربازان شان بگویند که هرچند بسته‌های دالری آنان را می‌گیریم اما هنوز شریعت را تطبیق می‌کنیم. این اگر به بهبود زندگی شهروندان نینجامد دست کم به بهبود جایگاه رهبران در میان سربازان شان خواهد انجامید و موقتا از پیوستن آنان به گروه‌های رقیب جلوگیری خواهد کرد.